



## تحلیل و تبیین مبانی تعلیم و تربیت در دره التاج قطب الدین شیرازی

اعظم الماسی کوپائی<sup>۱</sup>، دکتر سید حسین واعظی<sup>۲</sup>

دانش آموخته کارشناسی ارشد در رشته تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش گرایش تعلیم و تربیت اسلامی

almasikhopaye@gmail.com

<sup>۲</sup> استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)

vaezi1340@gmail.com

### چکیده

هدف از پژوهش حاضر تحلیل و تبیین مبانی تعلیم و تربیت در دره التاج قطب الدین شیرازی است. روش در تحقیق حاضر نظری است با رویکرد توصیفی و تحلیلی و از نوع کتابخانه‌ای و اسنادی با استفاده از ابزار فیش برداری از کتب و مقالات گوناگون که شامل منابع اولیه و ثانویه است. منبع اولیه کتاب دره التاج قطب الدین شیرازی می‌باشد. منابع ثانویه شامل کلیه کتاب‌ها و مقالات و نشریات در مورد کتاب دره التاج است. جامعه آماری این پژوهش کتاب دره التاج قطب الدین شیرازی است. نتایج مطالعه حاضر حاکی از آن است که قطب الدین شیرازی مهم‌ترین و اصلی‌ترین هدف تعلیم و تربیت را رسیدن فرد و جامعه به سعادت و کمال می‌داند، کسب اعتدال و میانه روی و کسب فضائل اخلاقی نیز از مهم‌ترین اهداف تربیت اخلاقی این فیلسوف است. روش تشویق و ترغیب از مهم‌ترین روش‌های تربیت اخلاقی قطب الدین شیرازی است. هدف قطب الدین از تربیت فقط سعادت دنیوی نیست و به سعادت انسان پس از مرگ نیز معتقد است. همچنین برای دستیابی به سعادت جامعه به هم به اهداف فردی تربیت و هم به سعادت خود و اجتماع توجه داشته است. دستیابی به این مطالب این اهمیت را دارد که فعالیت‌های تربیتی را هدفمند و منسجم می‌کند و با ارائه رهنمودهای کلی به اعتلای کیفیت آموزش و پرورش و در نتیجه به بازدهی تعلیم و تربیت کمک می‌کند.

کلمات کلیدی: قطب الدین شیرازی، دره التاج، تعلیم و تربیت

### ۱. مقدمه

موضوع تعلیم و تربیت و روش‌های آن، مطلبی است که از دیر باز و زمان‌های بسیار دور توجه بشر را به خود معطوف ساخته و در تمام عصرهای گوناگون زندگانی انسان ما از اهمیت والائی برخوردار بوده است. علاوه بر پیامبران الهی که رسالت و مسئولیت تعلیم و تربیت جوامع بشری را بعهدہ گرفته بودند دانشمندان و اندیشمندان هر جامعه و ملتی همگام با آنان در این رهگذر می‌کوشیدند دانشمندان آن کتاب‌ها و رساله‌های فراوانی در این زمینه ساخته و پرداخته‌اند، و پیوسته کوشش‌های آنان هنوز در این زمینه به وضوح چشمگیری ادامه دارد. این ادعا گزاره‌گویی نیست زیرا دانش و بینش بنیاد و اساس هرگونه اصلاح و زمینه‌برای پیشرفت هر جامعه ترقی‌خواه می‌باشد. تعلیم و تربیت است که می‌تواند این بینش و دانش را برای جامعه تضمین نموده و رسالت نشر علم و تقویت عقل و تهذیب نفوس مردم را بخوبی اداء نماید. تحقیق در زمینه تعلیم و تربیت و روش‌های آن در تاریخ تعلیم و تربیت انسان بخصوص جهان معاصر تازگی ندارد. قسمت عمده‌ای از مشکلات اخلاقی بر اساس روش‌های تربیتی نادرست و غیر اسلامی ایجاد می‌گردد. مطالعه تاریخ تعلیم و

تربیت در اسلام نشان می دهد تربیت انسان متقی، مؤمن، متعهد و خداجو بر اساس روش های اصول الهی-اسلامی امکان پذیر است .

مساله تعلیم و تربیت یکی از مسائل بسیار مهم در هر جامعه ای شناخته می شود. بدین منظور بررسی دیدگاه فلاسفه برجسته از اهمیت بسزایی برخوردار است. در این زمینه با توجه به موضوع تحقیق تحلیل و تبیین مبانی تعلیم و تربیت در دره التاج قطب الدین شیرازی تلاش شده است نظرات این دانشمند مورد تبیین قرار گیرد.

بر هیچ کسی پوشیده نیست که تعلیم و تربیت، تنها راه تحقق انسان واقعی است. خداوندی که انسان را آفرید و او را اشرف مخلوقات قرار داد کمال مطلوب او را نیز با ویژگی های منحصر به فردی که در وجود او به ودیعه نهاده پیش بینی نموده است. لیکن نگاهی کوتاه و گذارا به زندگی امروزه بشر، آدمی را دچار شگفتی می سازد. چرا که تربیت اخلاقی که مهره ی اصلی و اساسی در نیل به کمال بشر به شمار می رود دستخوش مقولاتی فاقد ارزش های معنوی انسانی گشته که گاه تنها افراد را برای زندگی دنیوی سرشار از مادیات آماده می سازد و بعضی اوقات حقیقت وجودی آن ها یعنی نفس بشر نادیده گرفته می شود. دنیای ماشینی و مکانیکی امروز در اوج پیشرفت های صنعتی، الکترونیکی و ارتباطی و ... به جای این که انسان را در راه رسیدن به کمال حقیقی یاری نماید روز به روز میان وجود انسان، اصل و فلسفه ی آفرینش او فاصله می اندازد. متاسفانه بی سروسامانی وضعیت تعلیم و تربیت، بی رحمانه ریشه های اصیل وجود آدمی را به نابودی می کشد و روح او را که در آغاز آفرینش سرشار از روح خدایی و کمال جویی است به بیراهه کشانده نابودش می سازد(بابازاده، ۱۳۸۹)

این در حالی است که در جهان اسلام و در میان دستاوردهای فیلسوفان اسلامی به آموزه هایی برخورد می کنیم که با تلاش های خود سعی در روشن سازی حقیقت وجودی انسان داشته اند. یکی از این دانشمندان، قطب الدین شیرازی است که در سایه تفکر، تعقل، دانش آموزی، ریاضت، توسل به بیانات ارزشمند قرآن و ائمه اطهار و مهم تر از همه توفیق الهی به حقایق شگفت انگیزی در باب ابعاد وجودی انسان دست یافته که می توان با استفاده از دیدگاه ها و بیانات وی، و استخراج پیامدهای تربیتی، تغییرات بزرگی در مسیر زندگی آدمی پدید آورد او را از جهالت اسارت در دنیای مادی و مصرف گرایی خالی از ارزش های معنوی رهانید.

در راستای تحلیل و تبیین مبانی تعلیم و تربیت در دره التاج قطب الدین شیرازی به طور عام با تعلیم و تربیت و به طور خاص آن چه بیش از هر چیز اهمیت می یابد توجه به بن مایه های فلسفی است که تعلیم و تربیت بر مبنای آن بنا نهاده شده است.

تاریخ تمدن هر قوم و ملتی عبارت از کوشش ها و خلاقیت هایی است که افراد آن قوم و ملت در طول تاریخ حیات خود جهت بیرون آمدن از بی ثباتی و وارد شدن در صحنه ی حیات جمعی و پیشبرد اهداف جمعی به کار برده اند. تاریخ ایران پر است از دانشمندانی که در هر عصری ظهور نموده و نام خود را جاودان ساخته اند و در جهت تمدن سازی و گسترش علم تلاشی پیگیر نمودند. یکی از حکمای عالم اسلام که با همه ی جلالت قدر و عظمت شان و وسعت معلومات در موطن خویش ناشناس مانده و جز در نزد خواص دانشمندان معروف و مشهور نیست، علامه قطب الدین محمود شیرازی می باشد که در عصر ایلخانان پا به عرصه نهاد، دانشمندی که در تمام علوم زمان خویش چون، فلسفه، ادبیات و عرفان، ریاضیات و موسیقی، نجوم و پزشکی صاحب سبک و اثر می باشد. این پژوهش به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر منابع دست اول کتابخانه ای، به تحلیل و بررسی کتاب دره تاج قطب الدین شیرازی و اندیشه ها و آرا تربیتی وی می پردازد، زیرا وی در بیشتر علوم عقلی زمان خویش صاحب اندیشه بوده است؛ چنان که از طرفی در تقریب سه تفکر عرفان و فلسفه اشراق و مشاء کوشید و از طرفی دیگر در حکمت عملی مباحثی را مطرح نمود که متفاوت از تفکر یونانی بوده است، ضمن آن که در علوم پایه نیز خوش درخشید، و در تکامل علوم اسلامی سهمی بسزا ایفا نمود (کیهانی لبنانی، ۱۳۹۰).

## ۲. معرفی دانشمند و کتاب دره التاج

قطب الدین محمود پزشکی، دانشمند، حکیم و فیلسوف ایرانی در نیمه قرن هفتم و اوایل قرن هشتم قمری و از شاگردان بزرگ خواجه نصیرالدین طوسی است و به خاطر شکوه و جلال علمی اش به علامه شیرازی و قطب المحققین معروف است. خاندانش اصالتا کازرونی و در شیراز ساکن بودند(رشنوزاده، ۸۸).

کتاب او با عنوان دره التاج لعزه الدباج شهرت دارد که آن را برای امیر دباج فرمانروای گیلان به زبان فارسی نوشته است و شامل ادبیات خاص قرن هفتم و هشتم است. این کتاب دایره المعارف فلسفی در زمینه منطق، ریاضی، الهیات و سایر اقسام مسائل فلسفی است و همچنین پیرامون علوم سیاست، خانه داری، علم اخلاق بحث نموده است. بخش نخستین آن در قالب چهار جلد می باشد که در جلد اول آن پیرامون فضیلت علم، تعلیم و تربیت و اقسام آن به سخن پرداخته است. در این کتاب ابعاد وجودی انسان شامل مادی و معنوی و همچنین طبقه بندی علوم از جهت مختلف همچون فلسفی و غیرفلسفی، علوم نقلی و عقلی، علم اجمالی و تفصیلی از منظر بزرگان بررسی شده است. (رشنوزاده، ۸۶).

### ۳. سوالات تحقیق

۱. نظرات قطب الدین شیرازی در تکوین اصول تربیت دینی چیست؟
۲. اندیشه ها و عقاید قطب الدین شیرازی در مورد جامعه چیست؟
۳. دلالات تربیتی (اهداف، اصول و روشها) با محوریت کتاب دره التاج قطب الدین شیرازی چیست؟

### ۴. مبانی نظری پژوهش

با بررسی ساخت و پیشینه فرهنگی جامعه خود آن چه بیش از هر عامل دیگر به جلوه گری می پردازد همانا غنا و عمق معارف و اندیشه های دینی-فلسفی و عجین شدن این معارف با فرهنگ و زندگی مردم می باشد به گونه ای که چون حیات فکری و فرهنگی کشور و جامعه خود را بررسی می گردد شاهد رشد و پرورش حکما و نوابغی در دامان آن هستیم که چشم جهانیان را خیره نموده و چون نگینی بر تارک آسمان علم و فرهنگ جهانی می درخشند. این بزرگمردان عرصه ی علم و اندیشه در کدامین مدرسه و از کدامین شیوه آموزشی بهره مند گشته اند که در زمانه محدودیت دسترسی به علم و دانش و اطلاعات، این چنین پرفروغ از ذخایر اندیشه بهره مند گردیده و خود نیز درهای غلتان اندیشه های ژرف و شگفت را برای آیندگان به ارمغان گذاشته و منشا تحولات سترگ در عالم اندیشه گشته اند. آیا نمی توان بخشی از این مسائل و مشکلات را در مبانی فلسفی تعلیم و تربیت جستجو کرد به گونه ای که اگر مبانی آموزش و پرورش را به دو دسته مبانی علمی و فلسفی تقسیم کنیم شاهد آن خواهیم بود که مبانی فلسفی آن از ملاحظات اخلاقی و فلسفی مرتبط با طبیعت آدمی و هدف ها و غایات تربیت افراد استنتاج می گردد. لذا باید گفت چون بررسی غایات نه در صلاحیت علم است و نه در حد تکنیک، توجه به مبانی فلسفی از اهمیتی ویژه و ضرورتی اجتناب ناپذیر برخوردار می گردد (شکوهی، ۱۳۶۸، ۶۱).

چرا که فلسفه در صدد آن است که بسیاری از جنبه های واقعیت را تواما بررسی نماید تا تصویر کاملی از جایگاه انسان در جهان و هدفی وی از زندگی ارائه دهد. فیلسوف جنبه های مختلف واقعیت را نظاره می کند، آن ها را ارزیابی می کند و پس از نوعی مذاقه ی درونی و تفکر موشکافانه به موضعی فلسفی پیرامون ماهیت واقعیت و طبیعت انسانی دست می یابد (گریز، ۱۳۸۳، ۲۶). از دیگر سوی قضایای مربوط به آموزش و پرورش نیز از نوع ارزشی می باشند و به بحث از اهداف، ارزش ها، ماهیت انسان و فلسفه اخلاق پیوند خورده اند و به علت این پیوند، بحث از آموزش و پرورش بحثی فلسفی است. به تعبیر دیگر اکثر قضاوت های مربوط به آموزش و پرورش با ملاحظات ارزشی مرتبط می باشند (زیباکلام، ۱۳۸۰، ۹).

تعالی و کمال جامعه در گرو اصلاح نظام تعلیم و تربیت آن است. از سوی دیگر همه ابعاد و زوایای نظام تعلیم و تربیت یک جامعه بر پایه پیش فرض های نظری و در چارچوب فلسفه حاکم بر آن جامعه استوار است. به علاوه وقتی مقصود تعلیم و تربیت، آماده کردن شاگرد برای زندگانی در نظر گرفته شود، پرسش های آن درباره هدف، روش و بنیادهای آن باید پاسخ داده شود و این مهم، می تواند به کمک فلسفه تحقق یابد. به عبارت دیگر، دیدگاه های تربیتی-فلسفی، مهم ترین پشتوانه در نظریه های علوم انسانی بخصوص دانش تعلیم و تربیت به شمار می آید. در ایران، علی رغم پیشرفت های بسیار در حیطه تعلیم و تربیت گاه با کاستی هایی مواجه خواهیم شد که نشات گرفته از مغفول ماندن مبانی نظری-فلسفی و یا عدم

بهره گیری از این مبانی در نظام تربیتی کشور است. با توجه به جامعیت و ژرفای فکر و فلسفه قطب الدین شیرازی، باید گفت تبیین و استنباط نظرات تربیتی وی برای در انداختن طرحی نو در بنیان نهادن فلسفه تعلیم و تربیت، آن هم به گونه ای که شایسته آموزش و پرورش نوجوانان و جوانان ایرانی باشد لازم و ضروری است.

باید توجه داشت که ضرورت تبیین چنین مباحثی از میان مبانی فلسفی اندیشمندی چون قطب الدین شیرازی از آن جا نشات می گیرد که نظام تعلیم و تربیت ما در حال حاضر دچار مشکلات جدی در دو زمینه نظری (مبانی) و چالش های عملی (راهبردها و شیوه ها) است. دلیل چنین چالش هایی را می توان در عوامل مختلفی جستجو نمود، از جمله این که بر اساس بررسی های تاریخی، در کشور ما فلسفه تعلیم و تربیت مدون و مکتوبی وجود ندارد (کاکوجویاری، ۱۳۸۴، ۷۰) و یا این که از کشورهای غربی و اندیشه های فلسفی غربی استفاده شده است. لذا تجدید نظر در فلسفه آموزش و پرورش ما هم باید هر چه زودتر مورد توجه خاص قرار گیرد، زیرا اوضاع اجتماعی و اقتصادی ما به سرعت در حال تغییر است.

بدین سبب تلاش محقق در این تحقیق دستیابی و تبیین و تحلیل عناصر اصلی تعلیم و تربیت از دیدگاه قطب الدین شیرازی در کتاب دره التاج است تا بدین وسیله بتوانیم ضمن تبیین مفاهیم نظری تربیت اخلاقی، دست اندرکاران سطوح مختلف نظام آموزش و پرورش را نیز با نقاط قوت و ضعف فعلی آشنا و راه را برای دستیابی به نظام تعلیم و تربیتی مبتنی بر فلسفه ای منسجم هموار نماییم. در چنین شرایطی لازم است به مبانی فلسفی اندیشمندان مسلمانی چون قطب الدین شیرازی رجوع نمود تا از این طریق در راستای برطرف نمودن ضعف های تئوریک و عملی سیستم آموزشی حرکت کرد.

اگر نظام فلسفی که آموزش و پرورش بر آن بنا شده را به عنوان یکی از اصلی ترین و ضروری ترین مبانی آن بدانیم و حتی به تعبیری رساتر نظام فلسفی و بن مایه های آن را یک فرامبنا برای آموزش و پرورش در نظر بگیریم، آیا این پرسش به ذهن خطور نمی کند که شاید بیشترین مشکلات امروزی آموزش و پرورش ما به علت عدم توجه به مبانی فلسفی است؟ چرا که چون به دقت بنگریم خواهیم دید که آموزش و پرورش کنونی جامعه ما به علت آن که از زمان تاسیس آن به شیوه ی امروزی، بیشتر و امدار نظام های آموزشی دیگر کشورها بوده، مبانی فلسفی آن نیز ملغمه ای است از آرا و نظرات فلسفی ای که نه سختی با مبانی دینی- فلسفی و فرهنگی کشور ما دارند و نه کارآمدی لازم را برای آن، بدین دلیل محصول آن یعنی دانش آموزان، نیز محصولی است بیگانه با بن مایه های فلسفی- دینی خود و در زمینه حل مشکلات خود و جامعه اش ناکارآمد. چرا که ما در کشوری زندگی می کنیم که پایه های شخصیت و هویت و نظام ارزشی مردم آن بر باورهای دینی و فرهنگ ایرانی استوار می باشد. تاریخ تفکر و فرهنگ و ارزش های دینی و ملی ما، که مبتنی بر تعالی جویی و حکمت و فضیلت است، عمیقاً متفاوت از تاریخ اندیشه و فرهنگ و هویت و نظام ارزشی مغرب زمین است که دنیا مداری و عمل گرایی، فلسفه اصلی زندگی آنان را تشکیل می دهد (لطف آبادی، ۱۳۸۶). البته استفاده از نظرات و اندیشه های نو، بدیع و راهگشا از هر که و هر کجا که باشد نه تنها امری مذموم و ناپسند نیست بلکه اگر این استفاده با نگاهی انتقادی و تحلیلی صورت پذیرد بسیار هم می تواند در رشد و پویایی جامعه موثر واقع شود چنان که از منظر فرهنگ دینی نیز بر این امر تاکید گردیده، آن چنان که خداوند در سوره الزمر آیه ۱۷ و ۱۸ می فرماید. ولیکن این امر منوط به اتخاذ آن است که این نظریات با نگاهی واقع بینانه و جامع نگر بررسی شود.

## ۵. روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر جمع آوری داده ها، از نوع تحقیقات توصیفی-تحلیلی است. همچنین تحقیق از نظر هدف، کاربردی می باشد. با توجه به این که در این تحقیق، متغیری دستکاری نمی شود، به توصیف جز به جزء یک موقعیت و یا یک رشته از شرایط پرداخته می شود و اطلاعات مربوط به زمان گذشته می باشد، تحقیق از نوع توصیفی و گذشته نگر می باشد. از آنجائی که نتایج تحقیق می تواند مورد بهره برداری و استفاده مدیران، تصمیم گیرندگان و برنامه ریزان قرار گیرد، تحقیق کاربردی می باشد (سرمد و دیگران، ۱۳۹۴).

روش این تحقیق، کتابخانه ای و اسنادی و با استفاده از فیش برداری از کتب و مقالات گوناگون که شامل منابع اولیه و ثانویه است. منبع اولیه کتاب دره التاج قطب الدین شیرازی است. منابع ثانویه شامل کلیه کتاب ها و مقالات و نشریات در مورد کتاب دره التاج قطب الدین شیرازی می باشد.

روش کتابخانه‌ای در تمامی تحقیقات علمی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ولی در بعضی از آن‌ها در بخشی از فرایند تحقیق از این روش استفاده می‌شود و در بعضی از آن‌ها موضوع تحقیق از حیث روش، ماهیتاً کتابخانه‌ای است (حافظ نیا، ۱۳۸۸). در این قسمت جهت گردآوری اطلاعات در زمینه مبانی نظری و ادبیات تحقیق، از منابع کتابخانه‌ای، مقالات، کتاب‌های مورد نیاز و نیز از شبکه جهانی اطلاعات (Internet) استفاده شده است.

جامعه تحلیلی این پژوهش شامل کتاب دره التاج قطب الدین شیرازی و تألیفات سایر صاحب‌نظران در مورد افکار قطب الدین می‌باشد و نمونه با جامعه تحلیلی مطابقت دارد. به دلیل انتخاب مطالب از منابع در دسترس گزینش خاصی انجام نشده است. نحوه جمع‌آوری داده‌ها در این تحقیق کتابخانه‌ای با استفاده از فیش برداری می‌باشد. معیار تجزیه و تحلیل داده‌ها ادله و استنادهای معقول و عادلانه بوده است.

پس از این که پژوهشگر روش تحقیق خود را مشخص کرد و با استفاده از ابزارهای مناسب، داده‌های مورد نیاز را برای آزمون سوال‌های خود جمع‌آوری کرد اکنون نوبت آن است که داده‌های جمع‌آوری شده را دسته‌بندی و تجزیه و تحلیل نماید و در نهایت سوال‌هایی که تا این مرحله او را در تحقیق هدایت کرده‌اند، تکلیف آن‌ها را روشن کند و سرانجام بتواند پاسخی (راه‌حلی) برای پرسشی که تحقیق، تلاشی سیستماتیک برای به دست آوردن آن دارد بیابد (خاکی، ۱۳۹۰).

## ۶. یافته‌های پژوهش

### ۱-۶ نظرات قطب الدین شیرازی در تکوین اصول تربیت دینی چیست؟

وجود اصول و قواعد کلی در مناسبات انسانی و مرجعیت آن برای تفسیر رفتارها آن چنان آشکار است که غالباً نیازی به بیان تشریحی آن وجود ندارد. بدیهی است که هیچ‌کنش و واکنش انسانی نمی‌تواند در خلأ و بدون ضابطه‌ای مشخص آغاز، و بی‌هدف پایان پذیرد. رفتارهای یکسان زیادی می‌توان یافت که خاستگاه واحدی ندارند؛ به منظور متفاوتی انجام می‌شوند و احتمالاً نتایج مختلفی نیز به بار می‌آورند.

با بررسی موضوع مشخص می‌شود که دیدگاه این فیلسوف ترکیبی از ایدئالیسم و رئالیسم خداپاورانه می‌باشد. با توجه به اینکه ارزش‌های اخلاقی از دیدگاه قطب الدین شیرازی عبارت است از:

(الف) ارزش‌های اخلاقی: ارزش‌هایی که در ارتباط با خدا، باید رعایت شود، مانند پیروی از اوامر و ترک نواهی.

(ب) ارزش‌های فردی: آنچه که در رشد فردی آدمی مؤثر است. مانند محاسبه نفس، ریاضت، صبر و استقامت.

(ج) ارزش‌های اجتماعی: مواردی در ارتباط آدمی با دیگران باید مراعات شود. اخلاق اجتماعی در واقع نیازی ثانوی برای زندگی اجتماعی انسان به شمار می‌آیند. نظیر پرهیز از ظلم.

قطب الدین شیرازی دارای اصول اخلاقی است که آینده را به طور مناسبی مورد واریسی قرار می‌دهد. و از نظر وی اخلاقی بودن به مثابه تربیت یافتگی انگاشته می‌شود. وی بر اساس آزادی فکر و قدرت ابتکار و به اقتضا شرایط روش‌های متنوعی به کار می‌گیرد. و بر این اساس جهت ترویج و توسعه اخلاق تربیت، ضروری است بر اساس ارتباط چهارگانه زیر عمل شود. نخست ارتباط انسان با خود؛ یعنی انسان بتواند با خود ارتباط برقرار نموده و خود را خوب بشناسد که مقدمه سایر شناخت‌ها می‌باشد از لحاظ استعدادها، توانایی‌ها کمبودها و چگونگی رابطه علت و معلول و... هویت یابی فرد که پایه سایر شناخت‌ها می‌باشد. پس از آن ارتباط با دیگران که آن هم بر اساس شناخت ایجاد می‌گردد بعد از کسب معرفت نسبت به خود و دیگران وجود تفاوت‌های فردی، وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت لازمه این شناخت می‌باشد. پس ارتباط با طبیعت که بدون کسب معرفت نسبت به طبیعت و نظم و تعادل در آن و هستی‌شناسی آن ناممکن بوده و از گردش در آسمان‌ها و زمین وجود تعادل و نظم در آن پی‌بده وجود بهتر خالق هستی می‌بریم که باید ارتباط صحیح برقرار کنیم و در نهایت ارتباط با خدا به عنوان مبدأ و سرچشمه هستی‌ها و ارتباطات است کسی که واجب الوجود می‌باشد. بر این مبنا جهت تحقق شناخت‌های چهارگانه و ارتباط با خود و با دیگران و داشتن اخلاقی که بیانگر تربیت باشد و تعادل بخشی فرد وجود قوانین تسهیل‌گر همچون نقشه جامع علمی کشور، سند تحول بنیادین، چشم‌انداز بیست‌ساله جهت پرورش ذهن و تفکر و کسب معرفت در حوزه‌های چهارگانه ضروری است. و توسعه فرهنگی زمان‌گیر و نیاز به مدیریت اقتضایی دارد. فلذا اگر بر اساس این دیدگاه فلسفی عمل نماییم در واقع انسان متعادل و فکور را تربیت خواهیم نمود. که می‌تواند با خودش و دیگران، با طبیعت و خدا

ارتباط صحیحی برقرار کند و تعادل و توازن را در زندگی فردی و اجتماعی و مادی و معنوی داشته باشد. و بدون افراط و تفریط رشد مطلوبی را می‌نماید.

انسان گذشته از این که در اجتماع زندگی می‌کند، فضیلت را دوست دارد و طالب آن است. انسان اگر در جهان به تنهایی هم زندگی کند، باز خود را مجاز به انجام هر کاری نمی‌داند. او از این که بر نفس خویش مسلط باشد، احساس لذت می‌نماید و این که سرمایه اولیه اخلاق به شمار می‌آید. آدمی از ضعف خویش در مقابل خواسته‌ها و تمایلات، احساس ناخرسندی می‌نماید. از این رو از ضعف عقل‌گریزان بوده و تمایل به حاکمیت عقل بر حیات خویش دارد. و اخلاق نیز از عقل ناشی می‌شود (احمدی، فراهانی، ۱۳۷۳، ص ۵-۱۶۴).

یکی از مسائل مهم و اساسی در مباحث فلسفی آموزش و پرورش، موضوع ارزش‌هاست. زیرا یکی از کارکردهای اساسی آموزش و پرورش انتقال ارزش‌های نظام ارزشی جامعه است. این موضوع در سابقه اندیشه‌های بشری جلوه‌ای متمایز داشته و در زمانه ما هم یکی از پرچالش‌ترین مباحث فلسفی تبدیل شده است. به گفته دونالد باتلر تربیت بیش از هر نهاد دیگر با ارزش‌ها سر و کار دارد و هیچ نهاد دیگری به اندازه این نهاد به دنبال تحقق ارزش‌ها نیست و به گفته جورج نلر در آموزش و پرورش همه جا سخن از ارزش‌هاست. (نلر، ۱۳۷۷، ص ۲۸).

هدف تربیت اخلاقی، پرورش استعدادهای درونی انسانی برای ایجاد و رشد صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی است (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲۵۷).

اما اخلاق نیز ماهیت و تعریفی دارد که تنها به معنای اصطلاحی آن بسنده می‌شود: «اخلاق گاهی به معنای صفت نفسانی استعمال می‌شود و گاهی به عنوان صفت فعل به کار می‌رود یعنی کار اخلاقی». «علم اخلاق، علمی است که از انواع صفات خوب و بد، صفاتی که ارتباط با افعال اختیاری انسان داد بحث می‌کند و هم چنین کیفیت اکتساب این صفات و یا دور کردن صفات رذیله و زشت را نشان می‌دهد» (مصباح، ۱۳۷۶، ص ۱۰-۹).

تربیت از نظر دانشمندان تربیتی، فعالیتی منظم و تدریجی برای کشف استعدادها و از قوه به فعلیت رساندن آنهاست (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۷۷، ص ۱۲) تربیت به معنای عمل و جریانی که در حیات انسانی به چشم می‌خورد، فرایندی پیچیده دارد و دارای جنبه‌های گوناگونی است. فلاسفه و متفکران زیادی در تاریخ اندیشه در این باره به طور صریح یا ضمنی اظهارنظر کرده‌اند (نوذری، ۱۳۸۷) موضوع تربیت اخلاقی، نفس انسان است که افعال زیبا و زشت به طور ارادی از او صادر می‌شود (طوسی، ۱۳۶۴، ص ۴۸).

علم اخلاق در قالب هنجاری آن، هدف غایی زندگی خوب را ترسیم می‌کند؛ آنچه شایسته گفتار و کردار است به ما نشان می‌دهد؛ تغییراتی را که در حکم اخلاقی در نتیجه تحولات اجتماعی پیدا می‌شود بررسی می‌کند. مجموعه این مسائل، مبنایی برای عمل درست فراهم می‌کند. این مبنا بخشی از محتوا و برنامه‌ای است که مربی در عمل تربیت به آن نیاز دارد. در زمینه روشها، علم اخلاق چگونگی اتصاف به صفات خوب و زدودن صفات بد را به ما نشان می‌دهد (نوذری، ۱۳۸۷).

در هم تنیدگی فرایند تربیت و اخلاق موجب می‌شود که مرز مشخصی در گذشته میان این دو تصویر نشود و فرایند تربیت و اخلاق همسان پنداشته شوند و اخلاقی بودن به مثابه تربیت یافتگی انگاشته شود. جالب است بدانیم بسیاری از صاحب‌نظران تعلیم و تربیت اسلامی کمتر واژه تربیت را به کار برده‌اند و به جای آن از واژگان تعلیم، تربیت، تزکیه، تخلق به اخلاق، تأدیب، ریاضت، تدبیر سیاست و... بهره برده‌اند و این بدان جهت است که واژگان تربیت به معنای آموزش و پرورش متربی و به معنای برانگیختن و فراهم آوردن موجبات شکوفایی و رشد تمامی توانایی و شئون وجودی آدمی، در گذشته اصلاً مصطلح نبوده و یا اخلاق و تربیت را آن چنان در هم تنیده می‌دانستند که تربیت بدون اخلاق را غیر قابل تحقق می‌دانستند و با این که باور داشتند تربیت بدون پرتو افکنی اخلاق امری ناصواب و بی‌سرانجام است (بهشتی، ۱۳۸۱، ص ۱۸).

چون تربیت دینی به معنای شکوفا شدن، ظاهر شدن و بالفعل شدن توانایی‌هاست. یعنی کار اصلی مربی این است که استعدادهای درونی مخاطب مورد تربیت را شکوفا سازد، باید زمینه‌ای برای او فراهم آورد تا آنچه را در درون دارد به فعلیت رساند. تربیت صرفاً یک سری آموزش‌ها و محفوظات و تقلیدها نیست. آموزش و سلیه‌ای است که از طریق آن استعداد کودک شکوفا شده و قوه‌ها به فعلیت برسد و لذا نمی‌توان آموزشی را که به این نتیجه مهم نرسد، موفق نامید. از جمله اصلی‌ترین شیوه‌های تربیت دینی این است که به جای اصرار بر یادگیری‌های طوطی وار، سعی بر شکوفا نمودن فطرت الهی داشته باشیم.

همه مفاهیم و مطالبی را که فرد در دوره جوانی و بزرگسالی قادر به فهم آن است، در دوران کودکی و نوجوانی متوجه نمی‌شود. بسیاری از مفاهیم مجرد و انتزاعی تنها در سنین بالاتر معنی پیدا می‌کند و لذا مطرح کردن مستقیم آن‌ها به کودک و نوجوان جز اتلاف وقت و احیاناً تاثیر منفی اثر ندارد. در پایان دوره کودکی، یعنی حدود هفت تا دوازده سالگی، کودک به یک حالت کنجکاوی هدف‌دار می‌رسد و مفاهیمی خاصی از جمله مفهوم علیت را روشن‌تر می‌فهمد. این قابلیت بهترین فرصت را برای مربی فراهم می‌آورد تا رابطه کودک با خدای خویش را به زبان کودکانه تبیین سازد. توجه به این نکته نیز لازم است که تقییدات دینی و مذهبی دوران کودکی چنانچه سطحی باشد و همراه با شناخت کافی مناسب همان سن نباشد، بزودی در دوران نوجوانی دستخوش شک و تردیدهای خاص آن دوره شده و گاه منجر به تعارضات درونی و طغیان‌های نوجوانی می‌گردد.

#### ۶-۲ اندیشه‌ها و عقاید قطب الدین شیرازی در مورد جامعه چیست؟

قطب الدین شیرازی (۶۳۴-۷۱۰ق) در دورانی می‌زیست که جهان اسلام دچار آشفتگی‌ها و ناآرامی‌های فراوان شده بود و بزرگ‌ترین و مهم‌ترین عامل این ناآرامی‌ها حملات پی‌در پی مغولان بود. در پی این هجوم وحشیانه، تمدن اسلامی هم در حوزه سیاست و دولت استقلال سیاسی - اجتماعی و سرزمینی خود را از دست داد و هم در حوزه فرهنگ و علم، آثار فرهنگی و تمدنی‌اش تخریب و نابود گردید و در پی آن روحیه یاس و ناامیدی بر فعالیت‌های دانشوران به خصوص اندیشوران و ارایه‌آرا و نظریات سیاسی خود پرداخته و در عین حال، سیاست را بیش از گذشتگان خود همچون ابن سینا از جرگه فلسفه محض خارج کرده، آن را به دین و شریعت مرتبط می‌سازد؛ بنابراین بررسی فلسفه و اندیشه سیاسی وی در راستای شناخت تحولاتی که در بستر فلسفه سیاسی رخ داده، ضرورت می‌یابد.

نظریات اجتماعی وی متأثر از مبانی معرفت‌شناسی و هستی‌شناختی بوده و ترسیم‌گر یک نظام سیاسی مطلوب است. در این نظام، دولت با اجرای سیاست‌های مطلوب، متکفل هدایت جامعه به سوی کسب فضایل و کمالات است. وی در نظریات سیاسی خود بیشترین تاثیرات را از فارابی، ابن سینا و خواجه نصیر الدین طوسی پذیرفته اگرچه از مکتب اشراقی سهروردی نیز متأثر شده است. در این زمینه تاکنون یک مقاله از جان والبریج تألیف شده و در آن بحث روشنی از اندیشه سیاسی قطب الدین ارایه شده اما تحقیقات دیگر عمدتاً به بررسی آرای فلسفه نظری و منطقی وی معطوف بوده‌اند. آثاری که از قطب الدین شیرازی در منابع مختلف ثبت شده است به بیش از پنجاه اثر می‌رسد، اما چند اثر بیشتر در دسترس نیست و از این میان، دو اثر مهم وی یکی دره التاج لعزه الدباج و دیگری شرح حکمت الاشراق سهروردی است که معرفت‌دیدگاه‌های فلسفی و اندیشه‌های سیاسی وی هستند. دیدگاه‌های او عمدتاً در کتاب دره التاج آمده است.

وی در این کتاب عمدتاً بر روش فلسفه مشاء مشی کرده است. قطب الدین شیرازی با ابتدای فلسفه سیاسی خود بر مبانی معرفت و هستی‌شناختی خود، جهانی را ترسیم کردند که راس آن، واجب الوجود خالق همه هستی و ممکنات، قرار دارد و در آن علاوه بر حاکمیت نظم و انتظام و اصل علیت و هدف‌مداری، عنایت خداوند نیز که منشا برخورداری مخلوقات از خیریت و کمال است بر عالم ممکنات و مخلوقات گسترده شده است. همچنین در آن بر اساس اصل عدالت هر چیز در جای خودش قرار داده شده و براساس اهمیت نظام هستی، عالم سماوی و افلاک، عالم خیر بوده و عالم ارضی عالمی مرکب از کون و نثار و خیر و شر است و عالم سیاست و جامعه سیاسی نیز از قبیل عالم ارضی می‌باشد که باید با سیاست فاضله انسان کامل الهی، افراد جامعه از نقصان به کمال هدایت شده و به سعادت خود نایل آیند.

قطب الدین در مباحث دولت با استفاده از حکمت و تعقل سیاسی و رعایت شریعت و دیانت، امکان و اصول سیاست یک دولت را در حصول شناخت کافی از افراد گروه‌ها و طوایف جامعه و استعدادها، توانمندی‌ها و شایستگی‌ها و تخصص‌های آنها و نیز رعایت عدالت در حق آنان در جهت شایسته‌سالاری و دو اصل تنبیه مجرمان جهت محیط امن و امنیت برای مردم و دولت و تالف مردم جهت همدردی و همدلی و همکاری لازم بین دولت و ملت می‌داند و همچنین شرایط حفظ یک سیاست و امارت و پادشاهی را در بنا گذاری سیاست بر تعقل و حکمت سیاسی و رعایت مشورت و اخذ نظرها و دیدگاه‌های مختلف و تحمل رنج و مشقات برای ترفه مردم و تطبیق امور حکومتی و جامعه براساس دیانت و شریعت ذکر می‌کند. قطب الدین شیرازی با توجه به شرایط سیاسی اجتماعی زمان خود که هیچ‌گونه فضایی برای حاکمیت فیلسوف و حکیم الهی نمی‌بیند و

با توجه به این که نگرش فلسفی به حاشیه رانده شده، سیاست به سوی سیاست دینی و توصیه های اخلاقی سوق داده شده، در تعدیل پادشاه به توصیه های اخلاقی و عمل به احکام شرعی بر می آید و حکمت علمی و سیاست فلسفی را با آموزه های وحیانی در می آمیزد.

همچنین شیوه های جدلی و خطابی را با برهان و استدلال همراه می کند و در نهایت چنانچه با ابن سینا وجهه دینی فلسفه سیاسی تقویت می شود، قطب الدین شیرازی بیش از پیش به شرح و تفصیل آن برمی آید. (یوسفی را، ۱۳۸۶)

باید با توجه به دوران تاریخ اسلامی، یعنی حمله مغول و تشکیل امپراتوری آن، بررسی شود. تفکرات سیاسی فلاسفه یونان در بین مسلمانان رواج نداشت و شجره تفکر سیاسی یونان در خاک اسلامی ریشه ندوانده بود. کوشش فارابی، ابن سینا، ابن بوجه، و ابن طفیل و ابن خلدون در احیای تفکر یونانی کافی به نظر نمی رسید. در زمان خواجه نصیر طوسی فلسفه سیاسی یونانی در جوامع اسلامی تقریباً نابود شده بود.

با عنایت به این نکات است که ارزش کار قطب الدین شیرازی آشکار می گردد. شیرازی در دو جا از سیاست بحث کرده است: عباراتی کوتاه درباره فلسفه اشراق و قسمت وسیعی راجع به فلسفه عملی و سیاست در کتاب دره التاج. این کتاب شامل یک مقدمه درباره علم و پنج بخش راجع به منطق، فلسفه اولی، فیزیک، ریاضیات و الهیات (کلام) می شود. قطب الدین با نقد فلسفه اشراق به سنت ابن سینا نزدیک می شود. در این کتاب او از دو روش استفاده کرده است. در آن جا که از روش های متافیزیکی استفاده می کند، ارجاعی به قرآن و سنت نمی دهد و هنگامی که از قیاس استفاده می کند، برای اثبات پادشاهی از آیه اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر منکم بهره می جوید. عمده مطالب این کتاب عقلانی است. وظیفه حکومت برقراری عدالت در شهرها، استان ها و امپراتوری است. سیاست درباره محدودیت های رفتار انسان بحث می کند. دو استدلال برای ضرورت چنین محدودیت هایی وجود دارد:

استدلال اول این است که فرض می کنیم همه افراد دسترسی به مواد اولیه و دارند. اگر هرکس از این طریق مالکیتی برای خود ایجاد نماید وجود دولتی برای سامان دادن این حقوق ضرورت می یابد. استدلال دوم براساس مفهوم خیر و شر و نیاز به اخلاق و اقتصاد و سیاست مبتنی است. از آن جا که روح انسان دارای سه جنبه عقل، خواهش و غضب است. وجود حکومتی برای تعدیل انسان ها و ایجاد محدودیت هایی برای آن ها ضروری می نماید. براین اساس می توان نتیجه گرفت بهترین حکومتی که می تواند اقتدار خود را اعمال نماید، پادشاهی مطلقه است. البته شاه فقط باید حکومت کند و متواضع و باهوش باشد تا مردم را حول خود جمع نماید. قطب الدین شیرازی برخلاف فارابی و خواجه نصیر معتقد است سعادت تنها در اجتماع به دست نمی آید. جامعه فقط می تواند موانع دسترسی به سعادت را از بین ببرد. از دیدگاه این فیلسوف اسلامی فلسفه سیاسی در حد تطابق اعمال شاه با حقوق و قوانین اسلامی تنزل می یابد (باترورث، ۱۹۹۲)

#### ۳-۶ دلالات تربیتی (اهداف، اصول و روش ها) با محوریت کتاب دره التاج قطب الدین شیرازی چیست؟ اهداف تعلیم و تربیت:

قطب الدین ریشه بسیاری از تمایلات انسان را گرایش به کمال می داند که تمام انسان ها کمال جو و طالب حسن و جمالند. اما کمال در نظر وی کمال به نفس ناطقه مربوط است. کمال دارای مراتبی است که انسان ها دارای مراتب مختلفی دارند رهایی از ظلمت ها و تعلقات و انقطاع کامل از غیر خداست که وی از آن با عنوان فنا یاد می کند. انسان فانی در این مرحله دست از هر دو جهان شسته و دلش مملو از عشق خداست و جز خدا نمی بیند و نمی خواهد. چنین انسانی به معدن نور و حقیقت راه یافته و از اشراقات و علوم نامتناهی الهی و بالاترین لذت ها بهره مند گردیده است.

قطب الدین شیرازی راه وصول به کمال را در؛ عرفان به غربت خود، رهایی از علایق، رعایت شرع، فکر و عشق می داند، و بالاترین عوالم را عالم عشق می داند که برای رسیدن به آن از دو پله نردبان آن یعنی معرفت و محبت باید گذر کرد. از دیدگاه شیخ اشراق هدف اصلی تعلیم و تربیت قرب الهی است. بیشتر توجه به اهداف غایی دارد تا رفتاری، اهداف تربیت از نظر او برخی در ارتباط با خالق هستی، برخی با خویشتن و برخی در ارتباط با دیگران است.

بالاترین هدف تعلیم و تربیت نزدیکی به کمال مطلق است. نزدیکی به خداوند به صورت روحی، حضوری و وجودی است نه مکانی یا زمانی و مادی. با علم شهودی انسان به عظمت خدا پی می برد. انسان عبد خداوند است و همه چیز او از خداست. او



بایستی امر خداوند را انجام داده و نواهی را ترک نماید. در تربیت نفس، انسان به مرتبه ای خواهد رسید که انوار الهی بر او تابیدن می گیرد. از این طریق انسان به شناختن دست می یابد که قبلا برای او آشکار نبود است. از دیگر اهداف تربیتی رفع حجاب ها و پاکی نفس از پلیدی ها می باشد. جهت فهم حکمت اشراقی و معرفت انسان به جهان هستی، پرورش تفکر و اندیشه ضروری است. اعتدال در عقل عملی به معنای آن است که انسان به افراط و تفریط کشیده نشود.

اصول تعلیم و تربیت:

قطب الدین شیرازی چهار اصل برای تعلیم و تربیت بیان می کند که شامل:

غفلت گریزی: او اولین پله تربیت را بیداری می داند و رسالت همه علوم را بیدار کردن انسان و زدودن بی خبری و غفلت شخص غافل که از بیماری های روحی خویش و نقاط ضعف خود بی خبر است چگونه می تواند در جهت تربیت و می شناسد. اصلاح خویش گام بردارد و آنگاه انسان از غفلت می رهد که بداند دنیا ظلمانی است و محل عبور، و وطن اصلی او و سرچشمه نور جای دیگری است که در این صورت خضروار، با توکل به خدا به سوی وطن اصلی حرکت می کند. بنابراین، هر روش تربیتی که در آن اصل غفلت گریزی رعایت نشود و آنان را غافل سازد، محکوم به بطلان و شکست است.

خودشناسی: وی بر این باور است که اگر به خود آیی و فکر کنی که از کجا آمده ای و کجا خواهی شد و خدا را به وی خود شناسی را تلخیص در ظاهر و شکل و تمایل نمی داند و جایگاه واقعی او را حقیقت بخوانی، خود را خواهی یافت بس رفیع تر می داند تا جایی که خود انسان نیز از وجود و گوهر واقعی خود که من واقعی او همان است، عاجز است و خود نیز به جلال روحی خویش آنچنان که باید پی نبرده است.

صبر: مقاومت و پایداری یکی از اصول مهم تربیتی است که انسان در مقابل موانع و مشکلات، صبر باید پیشه نماید و باتحمل مشکلات سیر معنوی خود را ادامه می دهد.

کرامت نفس: انسان به عنوان خلیفه الله بایستی کرامت نفس خود را حفظ نماید و در چنگال مادیات از جمله؛ دنیا طلبی، خود بینی، شهوت و غضب که باعث از بین رفتن کرامت می باشد گرفتار نگردد و از طریق حفظ کرامت خویش و صفات پسندیده، صداقت، عدالت، ایثار، و از این قبیل لباس کرامت بر تن نماید.

روش های تعلیم و تربیت:

قطب الدین روش های تربیتی را شامل؛ آموختن حکمت، عمل صالح، ریاضت، تفکر، ذکر، دعا و تضرع و تلاوت قرآن می داند.

وی تلاوت پیوسته قرآن را در تربیت انسان بسیار مؤثر می داند به شرط آن که هنگام تلاوت قرآن دارای نشاط و سرور بوده و از خستگی بدور باشد. او منبع حکمت را قرآن می داند.

قطب الدین انسان را این گونه تعریف می کند؛ موجودی قدسی، صاحب علم و اراده و فنا ناپذیر است و مسافری است که از عالم در این که آیا در انسان هیچ نوع تمایل علوی به عالم سفلی و محبوس در زندان طبیعت است و از اصل خویش منفک شده است یا گرایشی وجود دارد یا نه؟ وی معتقد است که این نوع گرایشات وجود دارد و اساس گرایشات و تمایلات انسان قوه شوق یا نزوعی است که انسان را به حرکت و می دارد. این قوه که جایگاه آن دل است، خود دو شعبه دارد: یکی شهوانی که شایسته را جذب می کند و دیگری غضبیه که ناشایسته را دفع می نماید. این قوه از تخیل و ادراک متأثر می شود، زیرا تا چیزی درک نشود، وی خداجویی را یکی از گرایش های شوق یا غضب به آن تحریک نمی شود.

انسان می داند که از کمال جویی او نشأت می گیرد. از گرایش های دیگر انسان می توان از حقیقت جویی، فضیلت جویی و گرایش به صیانت ذات نام برد. او انسان را موجودی می داند که از بدن و نفس ناطقه تشکیل شده است که نفس ناطقه را مدبر بدن می داند. نفس انسان را به سه قسم به نباتی، حیوانی و انسانی تقسیم می کند. اما قطب الدین بر این اندیشه است که هدف اساسی از تعلیم و تربیت نزدیکی به خداوند است و همه وسایل و ابزارهای تعلیم و تربیت مقدمه ای است برای رسیدن به خالق هستی، لذا بایستی با توجه به اصول تعلیم و تربیت، نگرشی مثبت به انسان، مراحل رشد عقلانی، اهداف، برنامه و روش های تعلیم و تربیت، راه رسیدن به قرب الهی را هموار ساخت تا انسان به هدف اصلی از نظام خلقت یعنی نزدیکی به مبدأ هستی گام بردارد.

## ۷. بحث و نتیجه‌گیری

قطب‌الدین شیرازی از آن گروه از متفکران مسلمان است که در ساحت نظری تعلیم و تربیت و اخلاق اثر مکتوب داشته، یا در مقام برنامه‌ریزی و عمل تربیتی طراح و بنیان‌گذار نظام آموزشی و پرورشی خاص بوده و یا از برجستگی علمی ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. هدف از تدوین این پایان‌نامه، دستیابی به اندیشه‌ها و مبانی تربیتی اندیشمند مسلمان و نمایان ساختن تأثیر آموزه‌ها و باورهای دینی و یافته‌های فلسفی، عرفانی، حدیثی و فقهی بر دیدگاه‌های تربیتی آن و در نهایت نگاشت تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه وی است. در این تحقیق، نخست زندگی و آثار متفکر و دیدگاه‌های او در باب انسان، معرفت و اخلاق به اختصار مورد توجه قرار گرفته و در پایان، اندیشه‌های تربیتی او به طور خاص گزارش شده است. بدون شک، هرچند این‌گونه بحث‌ها می‌تواند زمینه را برای تحلیل تاریخ اندیشه‌های تربیتی متفکران مسلمان و طبقه‌بندی‌های تربیتی فراهم آورد اما نکات ذیل نیز در باب کتاب دره التاج قابل تأمل است.

نگاشتن آرای تعلیم و تربیت یا هر آرای دیگری می‌تواند با جهت‌گیری‌های متفاوتی توأم باشد. در تدوین هم می‌توان به عمل تربیتی توجه نمود، و هم آرا و تعلیمات تربیتی عصر، یا متفکر را به رشته‌ی تحریر درآورد. البته این دو مقوله از هم گسسته نیستند؛ عنوان نخست به تاریخ فرهنگی و اجتماعی و عنوان دیگر با تاریخ تفکر پیوند دارد. در پایان‌نامه مورد بررسی جهت دوم غلبه دارد.

بر این اساس می‌توان گفت نگارنده آرای دانشمند مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن را در قالب مفاهیم فلسفی یا فقهی و کلامی عرضه کرده‌اند، با این تصور که هدف چنین گزارشی نمایان ساختن چگونگی تأثیر آرای فلسفی یا باورهای دینی بر دیدگاه‌های خاص تربیتی در اندیشه‌ی هر متفکر است.

پژوهشگر دیدگاه‌های منتخب این اندیشمند را درباره‌ی انسان، اخلاق و معرفت، در همه‌ی بخش‌ها مورد بررسی قرار داده و اندیشه‌های تربیتی وی را گزارش داده است.

به نظر می‌رسد کسانی که بر سر مسائل فلسفی وفاق نظر دارند، بر سر دلالات و اشارات تربیتی نیز همراه باشند و حال این‌که چنین امری ملاحظه نمی‌شود؛ همان‌گونه که غالباً از فلسفه‌های متفاوت، تصورات مشابه تربیتی برمی‌خیزد.

در این کتاب دره التاج تعلیم و تربیت به اجمال واگذار شده است؛ در کتاب در باب اصول، مبانی و روش‌های تعلیم و تربیت تعریف مشترکی را انتخاب نکرده‌اند؛ از این رو در سرتاسر کتاب، گاه بحثی با عنوان اصول مطرح است و گاه نویسنده، همان را تحت عنوان روش می‌آورد؛ از این رو، به نظر می‌رسد که نویسنده یا تصحیح‌کننده باید به مفهوم روشن و به تلقی مشترکی از این معانی دست نیافته، تا خواننده دچار اغتشاش نگردد.

به نظر می‌رسد که اگر سرتاسر کتاب دارای ویراستار علمی واحدی باشد، به هم‌گرایی قالب بیان مفاهیم مساعدت کند. علاوه بر آن، متن باید از حیث قالب ادبی یکنواخت باشد که ظاهراً چنین نیست؛ چون در برخی از فصول از الفاظ عربی به میزان فراوان و غیرضروری استفاده شده است و می‌توان به جای آن از واژه‌های فارسی بهره گرفت و در پاره‌ای از فصول نیز نویسنده به بهره‌گیری از واژه‌های فارسی گرایش بیش‌تری داشته‌اند. متن موجود بسیار مغلوط است و تصحیح خوبی ندارد.

اغلب آراء قطب را آراء درجه‌ی دو و اقتباس و نقل و ترجمه از آثار اندیشمندان پیشین یا معاصر خویش دانسته‌اند. بخش‌های فلسفی دره التاج عمیقاً تحت تأثیر آثار ابن‌سینا و سهروردی قرار دارد. در بخش‌های مربوط به دین و اخلاق، قطب‌الدین از آثار ابن‌سینا و فخرالدین رازی الهام گرفته است. سخنان او در واقع برگرفته از آثار پیشینیان است و از این حیث، قطب‌الدین بر مطالب آنان نکاتی مهم نیفزوده است. از این رو، به نظر نگارنده، شرح آرای او از سادگی به دور است.

بحث تعلیم و تربیت مورد توجه مکاتب مختلف دنیاست و همه‌ی تجلیل‌ها و تکریم‌ها مربوط به علمی است که رستگاری، صلاح فرد و جامعه و سعادت جهانی را به ارمغان می‌آورد. به نظر قطب‌الدین شیرازی علم می‌تواند کمال باشد نه به طور مطلق و علمی که وسیله‌ای برای رسیدن به کمال اصیل باشد آن مورد توجه است و همچون ابزاری در مسیر تکامل انسان قرار می‌گیرد و می‌تواند در رشد اخلاقی، عقلانی، رفتاری و جسمانی فرد موثر باشد و فقط مربوط به زندگی مادی و معنوی نیست و تمام شؤونات اجتماعی را در برمی‌گیرد و کسب اعتدال و میانه‌روی و فضایل اخلاقی از مهم‌ترین اهداف تربیت اوست و تشویق و ترغیب نیز از مهم‌ترین روش‌های این دانشمند بزرگ است. نتایج و یافته‌های سایر پژوهشگران با پژوهش حاضر همسو است هر چند به صورت مدون و جامع در این مورد بررسی و تحقیقی صورت نگرفته است.

## مراجع

- احمدی ع، فراهانی م. ۱۳۷۳. روان شناسی عمومی. تهران: وزارت آموزش و پرورش. شرکت چاپ و نشر ایران (دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی).
- بابازاده ط. ۱۳۸۹. نفس از دیدگاه ملاصدرا. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی دانشگاه اصفهان.
- باترورث چارلز. ای. ۱۹۹۲. ابعاد سیاسی فلسفه اسلامی. مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه هاروارد. ۴۰۶ صفحه.
- بهشتی م. ۱۳۸۱. تربیت، اخلاق و تربیت اخلاقی. مجله معارف. شماره ده.
- حاجی ده آبادی م. ۱۳۷۷. درآمدی بر نظام تربیتی اسلامی. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
- حاجیهی ع. ۱۳۸۷. قطب الدین شیرازی و آراء و آثار او. فصلنامه پیک نور (علوم انسانی). سال ششم. شماره ۴.
- حافظ نیا م. ۱۳۸۸. مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی. سمت. تهران: سمت، ۳۴۸ صفحه.
- خاکی غ. ۱۳۹۰. روش تحقیق با رویکردی به پایان نامه نویسی. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی و همکاری کانون فرهنگی انتشاراتی درایت، ۴۹۸ صفحه.
- رشنوزاده ب. ۱۳۸۶. گنجینه روشنان: سیری در آثار قطب الدین شیرازی. کیهان فرهنگی، شماره ۲۵۰. صص ۶۴-۵۸.
- رشنوزاده ب. ۱۳۸۸. ابوالثناء قطب الدین محمود بن مسعود شیرازی. مجله کتاب ماه علوم و فنون، شماره ۱۳. صص ۸۷-۷۸.
- زیباکلام ف. ۱۳۸۰. مبانی فلسفه آموزش و پرورش در ایران، تهران: انتشارات حفیظ، ۱۸۴ صفحه.
- سرمد ز. بازرگان ع. حجازی ا. ۱۳۹۴. روش های تحقیق در علوم رفتاری. تهران: نشر آگه، ۴۰۶ صفحه.
- شکوهی غ. ۱۳۶۸. مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۲۵۳ صفحه.
- طباطبایی، س م ح. ۱۳۶۳. المیزان. ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی. جلد یک. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، نصیرالدین محمد. ۱۳۶۴. اخلاق ناصری تهران: خوارزمی.
- کاکو جویباری ع. ۱۳۸۴. آموزش و پرورش آینده. ج ۱. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کیهانی لبنانی م. ۱۳۹۰. بررسی آراء و اندیشه های قطب الدین محمود شیرازی. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته ی تاریخ گرایش اسلام. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
- گریز آ. ۱۳۸۳. فلسفه تربیتی شما چیست، ترجمه شعبانی و دیگران، مشهد: انتشارات به نشر.
- لطف آبادی ح. ۱۳۸۶. رویکردی نو به فلسفه تعلیم و تربیت. مجله نوآوری های آموزشی شماره ۲۰. صص ۱۱ تا ۴۰.
- مصباح، م ت. ۱۳۷۶. دروس فلسفه اخلاقی. تهران: انتشارات اطلاعات.
- نلر جی اف. ۱۳۷۷. آشنایی با فلسفه آموزش و پرورش. مترجم: فریدون بازرگان. تهران: سمت.
- نوذری م. ۱۳۸۷. رابطه اخلاق و تربیت چگونه است؟. حوزه و دانشگاه، شماره ۵.
- یوسفی راد م. ۱۳۸۶. اندیشه سیاسی قطب الدین شیرازی. قم: انتشارات موسسه بوستان، ۱۲۴ صفحه.

## **Analyze and explain the basics of education in Doratotaj Qutb al-Din Shirazi**

Azam Almasi Koopaye

Department of Education and Psychology, Isfahan (khorasgan) Branch,  
Islamic Azad University, Isfahan, Iran, E-mail: almasikohpaye@gmail.com

Dr. Sayyed Hossain Vaezi

Department of Education and Psychology, Isfahan (khorasgan) Branch,  
Islamic Azad University, Isfahan, Iran, E-mail: vaezi1340@gmail.com

**Abstract.** The aim of this study was to analyze and explain the basics of education in Qutb al-Din Doratotaj Shiraz. This study is theoretical research with descriptive and analytical approach and methodology of the research library and documents using a variety of tools taking notes from books and articles, including primary and secondary sources. Qutb al-Din Doratotaj primary source books Shiraz. All secondary sources include books and articles and publications about the book is the Doratotaj. The study population Qutb al-Din Shirazi. The most important method of encouraging moral education methods Qutb al-Din Shirazi. Qutb al-Din purpose of education is not only worldly happiness and the happiness of man after death is believed. as a result, the efficiency of education and training can help.

**Keywords:** Qutb al-Din Shirazi, Doratotaj, education